

رویکردی تحلیلی به ضرورت توجه به فرهنگ جوامع

مهندس کامیار اخوان خرازی*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۱۱/۱۰

چکیده

شهرسازی امروز به واسطه انبوه مسائل جدید، خصوصاً مشکلات فرهنگی و نیازهای روحی، روانی و عاطفی مردم، دستخوش تحولات بنیادین شده است. رشد گرایش به شهرسازی کاراً یکی از بارزترین این نمودها است. شهرسازی کاراً بر خلاف شهرسازی مدرن الگویی یکسان و جهانی نداشته و هر منطقه بر اساس توان‌های انسانی، زیست محیطی، اقتصادی، فنی و علمی خود نظام شهری ویژه خود را تدوین می‌نماید. امروزه فرهنگ جوامع به عنوان یک سرمایه اجتماعی در برنامه‌ها و طرح‌های شهری مد نظر قرار می‌گیرد. در این مقاله با رویکردی تحلیلی و با تحلیل محتوای متن، ابتدا مفهوم فرهنگ در رویکردهای مختلف تدقیق گردیده و سپس تأثیر فرهنگ جوامع در کلیه شئون زندگی و بر شهرسازی بررسی گردیده و تأکید است بر این نکته که در کلیه طرح‌ها و برنامه‌های شهری باید توجه به فرهنگ در سرفه مطالعات قرار گیرد و تطابق برنامه و طرح‌ها با فرهنگ از مقولات اساسی پایداری جوامع است.

واژه‌های کلیدی

فرهنگ، شهرسازی کاراً، سرمایه اجتماعی، هویت

* مهندس معمار، دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

مقدمه

اگر قرن بیستم را قرن شهرنشینی و زندگی شهری بنامیم؛ چرا که پیش از این، هرگز، در تاریخ بشر شهرنشینی چنین رواجی نداشته - قرن جدیدی که از راه رسیده است، مردمی یافته که بسته‌هایی از زندگی روستایی با خود همراه داشته، اما در جهانی شهرنشین زندگی می‌کنند. گذار از وضعیتی به وضعیت دیگر پدیده پیچیده‌ای است که وجوه مهم فن‌آورانه، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در بر می‌گیرد.

به سال ۱۹۵۰، ۲۹/۳٪ از جمعیت جهان در مناطق شهری می‌زیستند، در ۱۹۹۴ این رقم به ۴۴/۸٪ رسید و برآورده شده است که در سال ۲۰۲۵، جمعیت جهان در مناطق شهری به ۶۱/۱٪ خواهد رسید. این دگرگونی مرهون سه ساز و کار است: حرکت انبوه مردم از روستا به شهرها، و افزایش "طبیعی" جمعیت ساکن شهرها، و گسترش فضای شهرها و ادغام فضای روستای مجاور در فضای شهر. با گسترش شهرنشینی و سرعت در ساخت و سازهای جدید که خود منبعث از پیشرفت فن‌آوری و اعتلای سطح زندگی انسان بوده است. شاهد دو نکته متقابل می‌باشیم، از طرفی گسترش بی‌رویه و سرعت در ساخت و سازها تا حدودی جوابگوی نیازهای کمی و مادی زندگی انسان بوده است و از طرف دیگر باعث نزول جنبه‌های کیفی و بعضاً بی‌توجهی به عرصه‌های معنایی، فرهنگی و روانی در زندگی انسان گردیده است. در دوران معاصر مجدداً جنبه‌های متعالی و معنایی در مقام بازبینی قرار گرفته است و همچنین نظریه‌هایی واجد ارزش نیز در سایر حوزه‌ها از جمله روانشناسی مطرح شده است. با توجه به اینکه معماری و شهرسازی به عنوان حوزه‌ای فراگیر و مرتبط با سایر دانش‌هاست، از این نگرش‌های جدید بی‌بهره نبوده است. چنانکه در مباحث نظری زمینه‌های توجه به نقش ادراکی انسان در فضای شهری فراهم شده است. اما از آنجا که این حرکت‌ها در ابتدای راه است جا دارد تا بر اساس رویکردهای جدید در تعاریف و مفاهیم پایه بازنگری شود.

تا سال ۱۹۶۵ م. طرح‌های جامع، که بر مبنای مطالعات جمعیتی، اقتصادی، کاربری، طراحی می‌گردید، برنامه مورد توجه شهرسازان بود. در سه دهه اخیر در میدان‌های گوناگون علم و معرفت، تلاش‌های مؤثری در جهت جامعیت بخشیدن به اطلاعات گرانبار و پراکنده نظام دانایی مدرن^۲ صورت گرفته است. این کهکشان اطلاعات، حاصل انبوه مطالعات خردنگرانه و استقرایی^۳ است که نه تنها اشراف بیشتری نسبت به نظریات قدیمی نداده بلکه به تدریج حیرت و گم‌گشتگی انسان را بیشتر نموده است. بسیاری اندیشمندان و دانشگاه‌های پیشرو در پی ایجاد الگوهایی نظری برای سامان دادن به دانش از انسان و جهان، تلاش‌های بسیار نموده‌اند و در سال‌های اخیر به نتایج در خور توجهی نیز در حوزه‌های نظری فیزیک، ریاضیات، زیست‌شناسی و پزشکی دست یافته‌اند. با توجه به تحولاتی که در عرصه‌های گوناگون علمی، هنری زندگی شهری پدید آمد، اندیشه شهرسازان نیز دگرگون شد و از جمله این ایده بوجود آمد که شهر در واقعیت خود بررسی شود. و لذا به عنوان مسئله‌ای مهم در رابطه با محیط و منظر شهر، بیننده و شرایط ادراک کننده مورد توجه قرار گرفته است. نگرش خاص این مقاله بر پایه توجه و اهمیت به نقش فرهنگ در ادراک انسان از فضا و تأثیر فرهنگ جوامع بر این روند می‌باشد. لذا به منظور تشریح و تدقیق بهتر بحث ابتدا بحث فرهنگ در رابطه با ادراک، ارزش، دین، اخلاق، زبان، هنر و محیط اجمالاً بررسی و سپس رویکرد مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان، زبان‌شناسان و

روانشناسان به فرهنگ جمع‌بندی گردیده و در نهایت اهمیت بحث فرهنگ مطرح گردیده است، چرا که مطالعات متعدد نشان داده‌اند که ۸۰ تا ۹۶ درصد مردم گرایش به استفاده توأم از خدمات شهری مدرن و سنتی داشته‌اند. چنین یافته‌هایی دستگاه‌های اجرایی را وادار کرده در پی تدوین یک نظام جامع خدمات شهری باشند تا بتوانند نیازهای زیستی، روانی، معنوی و اجتماعی افراد را در یک سیستم یکپارچه و هماهنگ پوشش دهند. شهرسازی کارآ سعى در استفاده از تمام منابع شهرسازی مدرن و سنتی دارد و در این رابطه فرهنگ جوامع به عنوان یک سرمایه در برنامه‌های توسعه و جریان‌های آموزشی معماری و شهرسازی در بسیاری از کشورها جایگاه ویژه یافته است.

فرهنگ و اجتماع

ادراک

در این رابطه از نظریات و مطالعات هارلد براون^۴، یورگن^۵، تریب^۶، لنگر^۷، گروترو^۸، ارنه‌ایم^۹، هال^{۱۰}، لقایی و پوردیهیم استفاده شده (حبیب، ۱۳۸۳) که نتیجه به ایجاز بیان می‌گردد.

- فرهنگ در اعماق سیستم عصبی انسان نفوذ کرده و تعیین کننده نحوه ادراک او از جهان است.
 - انگاره و الگوسازی از طریق فرهنگ صورت می‌گیرد.
 - انگاره‌سازی جهان‌های ادراکی نه تنها یک عملکرد فرهنگی بلکه ارتباطی فعالیت، حسی و عاطفی نیز می‌باشد.
 - ادراک دارای جنبه‌ای فرهنگی است.
 - افراد وابسته به فرهنگ‌های مختلف نیز به گونه‌ای متفاوت از احساساتشان استفاده می‌کنند.
 - فضای ادراک بستگی به شخص ناظر و عوامل اجتماعی، روانی، وضع فیزیکی ناظر، زمان و فرهنگ وی دارد.
 - زبان متشکل از علامت‌هایی است که در ذهن شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند. تفکر به دسته‌بندی و تمایز و شناسایی نمادین این علامت‌ها تحت تأثیر فرهنگ می‌پردازد.
- آدمی به عنوان گیرنده، اطلاعاتی را از طریق حواسش دریافت کرده و در مغز خود به تحلیل آنها می‌پردازد. در این تحلیل؛ عوامل اجتماعی روانی مانند شخصیت فردی، تجارب شخصی، فرهنگ، ظرفیت ادراک، شرایط محیط و شرایط ادراک نیز نقش اساسی پیدا می‌کنند (گروترو، ۱۳۷۵). در مورد فرایند ذهنی ادراک بهتر است مراحل حافظه (یادآوری و بازشناسی)، خلق معنی، گزینش و حذف امور تکراری، اصلاح، ساده نمائی و عادی سازی را نیز اضافه کنیم.

ارزش

- تریب، موهان رائو. گروترو حال تعاریفی که برای ارزش ارائه می‌کنند چنین است (حبیب، ۱۳۸۳):
- باورها بر انتخاب‌ها اثر می‌گذارند و انتخاب‌ها پیامدهای عمیقی در پی دارد. عقاید و ارزش‌ها در یک کلام با فرهنگ همبستگی عمیق دارد.

- ارزش عبارت از مطلوبیتی است که از مفید بودن یک حقیقت انتزاع می‌شود.
- ارزش عبارت است از درجه اهمیت یک عینیت حامل ارزش در ذهن انسان.
- ارزش‌ها، معیارهای فردی یا جمعی هستند که نتیجه تعامل ذهن فرد یا جمع در رابطه با تعامل عین و ذهن می‌باشد.
- ارزش نمره‌ایست که انسان به یک "عینیت" می‌دهد. (وابسته به شرایط اجتماعی و حالت روحی فرد در لحظه ارزیابی و همچنین شرایط زمانی و مکانی یک عینیت است).
- ارزش‌ها در یک رابطه مستمر و متقابل بین انسان و محیط به وجود آمده و در طول زمان تغییر می‌یابند.
- ارزش‌ها تحت تأثیر شدید ساختار فرهنگی، عملکردی، اجتماعی و همچنین ویژگی‌های فرد می‌باشد.
- ارزش‌های واجد اهمیت در واقع ارزش‌های جمعی است.
- مقصود از ارزش عقاید مطلوب جامعه است. این امر ممکن است وضعیتی دلخواه، مثلاً مسکن مناسب برای همه یا وضعیت خوب بهداشت عمومی باشد یا می‌تواند به طرز فکر و رفتار مطلوب اطلاق شود.

مذهب

- در ارتباط با مقوله دین نظر اسپوزیتو^{۱۱}، ایزن اشتات^{۱۲}، ول^{۱۳}، ایکلمن^{۱۴} و پیسکاتوری^{۱۵}، چنین است:
- بی‌عدالتی اغلب انسان را به سمت مکان‌هایی مذهبی رهنمون می‌سازد. در این مکان‌ها از متون مقدس تفسیری نو به منزله پاسخی برای رهایی از شرایط مایوس کننده ارائه می‌شود.
 - کم بها دادن به استمرار و قدرت احساسات مذهبی، نادیده گرفتن چند بعدی بودن سازه فرهنگ است.
 - اندیشه مذهبی پویایی دارد و قابل تأویل است و قادر است خود را سازگاری دهد.
 - فرهنگ‌ها از پارچه ساخته شده‌اند، اما پارچه فرهنگ به دست خیاطان گوناگون به شکل‌های مختلف دوخته می‌شود.
 - سنت‌های مذهبی می‌توانند با نظام‌های سیاسی همسو باشند و یا جهت دهند.

اخلاقیات و اخلاق

با بررسی نقطه نظرات افرادی چون اسپوزیتو، ویل دورانت، به ایجاز چنین تعاریفی در خصوص اخلاق و اخلاقیات مطرح گردیده است (حبیب، ۱۳۸۳):

- اخلاق تشکیل می‌شود از عرف و عادت‌ها که اجتماع آنها را برای خیر و تکامل خود دارای اهمیت حیاتی تشخیص می‌دهد.
- اخلاقیات^{۱۶} و اخلاق^{۱۷} پدیده‌ای پویا و در حال رشد و تغییر است.
- اخلاقیات متأثر از مذاهب، فرهنگ و ارزش‌های معنوی هستند.
- ارزش‌های معنوی دارای طبیعت غیر مقید یا مطلق هستند و از همان جا برای هر فرهنگی بنیادین محسوب می‌شوند.

زبان

فرانز بوس^{۱۸}، سسور^{۱۹}، اشتراوس^{۲۰}، بارت^{۲۱}، سندرز^{۲۲}، به طور خلاصه چنین تعریف می‌کنند.

- تفکر بر اساس زبان شکل می‌گیرد.
- زبان عمیقاً با مجموعه روابط اجتماعی مرتبط است. به عبارت دیگر فرهنگ جوامع در زبانشان متجلی می‌گردد.
- محیط مصنوع و جهان بر اساس عادات زبانی شکل می‌گیرد، چون کالبد ادامه تفکر است.
- انسان تنها موجودی است که برای انطباق خود با محیط راه حل تکامل سیستم عصبی خود را برگزید. او در مقابل این رویداد محیطی و برای سازگار ساختن خود با آن، برای خود یک مغز بزرگ پدید آورده است.

هنر

- زیبایی عبارت است از پدیده‌ای که تجربه و احساس هنری را در آدمیان برمی‌انگیزد.
- قواعد هنر اساس احساس‌های مشترک طبع آدمی، یعنی یک سلسله مشاهدات عمومی، درباره آنچه در همه کشورها و در همه روزگاران خشنود کننده تشخیص داده شده‌اند، صورت گرفته است.
- تبدیل ذهنیتی مبهم و محسوس و متنوع به عینیتی ملموس و انگاره ادراکی روشن معرفت زیبایی شناسی است.
- تاریخ هنر تقریباً قدمتی سه برابر بیشتر از تاریخ نویسندگی دارد، هنر یک سیستم ارتباطی است که با زبان مرتبط است.
- زیباشناسی مقوله‌ای فرهنگی است و با ارتقاء کیفی آن و کند و کاو در چگونگی ایجاد و القای احساس زیبایی، احساس نیکو و در نهایت، احساس خوشحالی، رضایت عاطفی از زندگی در مکان دلخواه، مستقیماً در ارتقاء سطح فرهنگ جامعه نقش دارد.
- فرهنگ، هنر و زیبایی مقولاتی هستند لازم و ملزوم یکدیگر و بصورت فرایندی دو سویه متأثر از یکدیگر.
- هنرمندی که برای آگاهی از زمینه‌های بصری، آموزش دیده، الگوهایی را که بر رفتار او حاکمند در منطق خود آشکار می‌سازد، هنرمند صرفاً به عنوان مفسر و تحلیل‌گر ارزش‌های بزرگ فرهنگی نیست، بلکه به موشکافی رخدادهای فرهنگی کوچکی می‌پردازد که باعث ایجاد ارزش‌های بزرگتر می‌شوند (هال، ۱۳۷۶).
- یکی از وظایف عمده هنرمند آن است که افراد عادی را در جهت نظم بخشیدن به جهان فرهنگی‌شان یاری دهد. وظیفه هنرمند حذف موانعی است که بر سر راه مخاطبین او و وقایع توصیف شده قرار می‌گیرند.

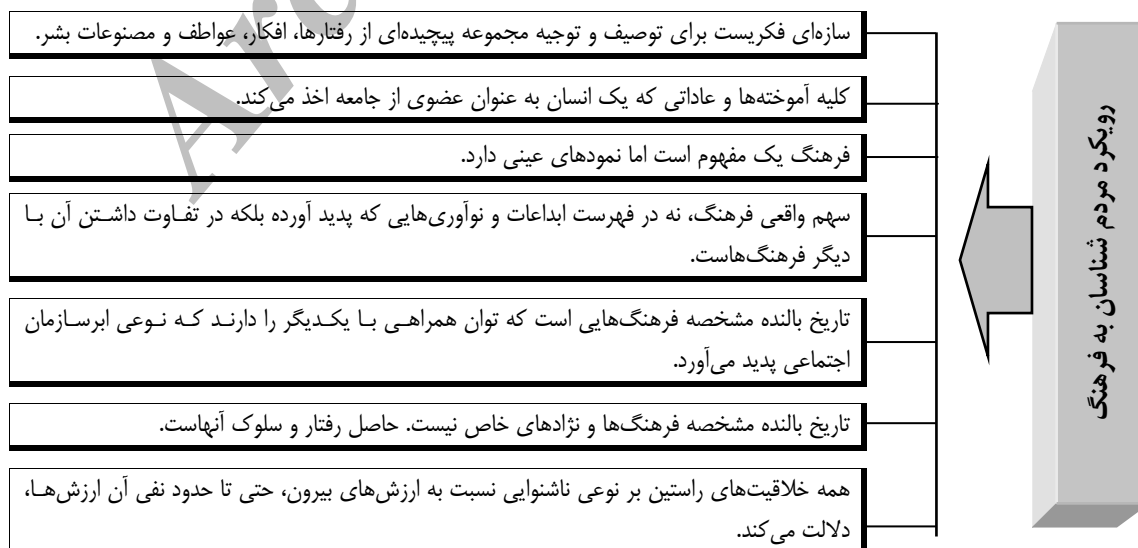
محیط زیست

در برخی فرمول بندی‌ها، شامل رویکرد اکوسیستمی به بوم‌شناسی فرهنگی، که از دهه ۱۹۶۰ رواج یافت، فرهنگ به عنوان چیزی که دارای ارزش سازگاری در حافظت از محیط زیست است در نظر گرفته می‌شود.

- عمل و رفتار و الگوی سیستم‌های فرهنگی اساساً متفاوت است، آنها عمیقاً ریشه در زیست‌شناسی و فیزیولوژی دارند. ارتباط بین انسان و بعد فرهنگی پدیده‌ای است که در آن انسان و محیط زیست او در شکل‌گیری و قالب بندی یکدیگر سهیم هستند. انسان اکنون در وضعیتی می‌باشد که کل جهانی را که در آن زندگی می‌کند خلق می‌کند، چیزی که رفتارشناسان از آن به عنوان محیط زندگی یاد می‌کنند (هال، ۱۳۷۶).
- محیط زندگی تنها به طبیعت محدود نیست بلکه فرهنگ و روابط اجتماعی را نیز شامل می‌شود.
- طبیعت برای بسیاری بنیاد جهان بینشان در مورد پیدایش جهان است.
- فرهنگ به عنوان چیزی که دارای ارزش سازگاری در حافظت از محیط زیست است، در نظر گرفته می‌شود. بنابراین چنین بحث می‌شود که:
- هنجارهای معین فرهنگی درباره تعاون نهادهای مذهبی و غیره در خدمت تنظیم و به قاعده در آوردن اثرات انسانی بر محیط پیرامون است به طوری که روابط بین مردم و محیط زیست هماهنگ باقی بماند.

رویکرد مردم‌شناسان به فرهنگ

در رابطه با دیدگاه مردم‌شناسان به مقوله فرهنگ با توجه به مطالعات صورت گرفته (حبیب، ۱۳۸۱)، نظرات صاحب‌نظرانی چون لوی اشتراوس^{۲۳}، لویی^{۲۴}، کروبر^{۲۵} (Kroeber, 1952)، کرتس^{۲۶}، پارسونز^{۲۷}، ویلیامز، بورفسکی، تیلور^{۲۸}، پوردیهیم، فرانزبوس^{۲۹}، هال^{۳۰} (۱۳۷۶)، بررسی گردید که جمع‌بندی دیدگاه‌های مربوطه در نمودار شماره ۱ ارائه گردیده است.



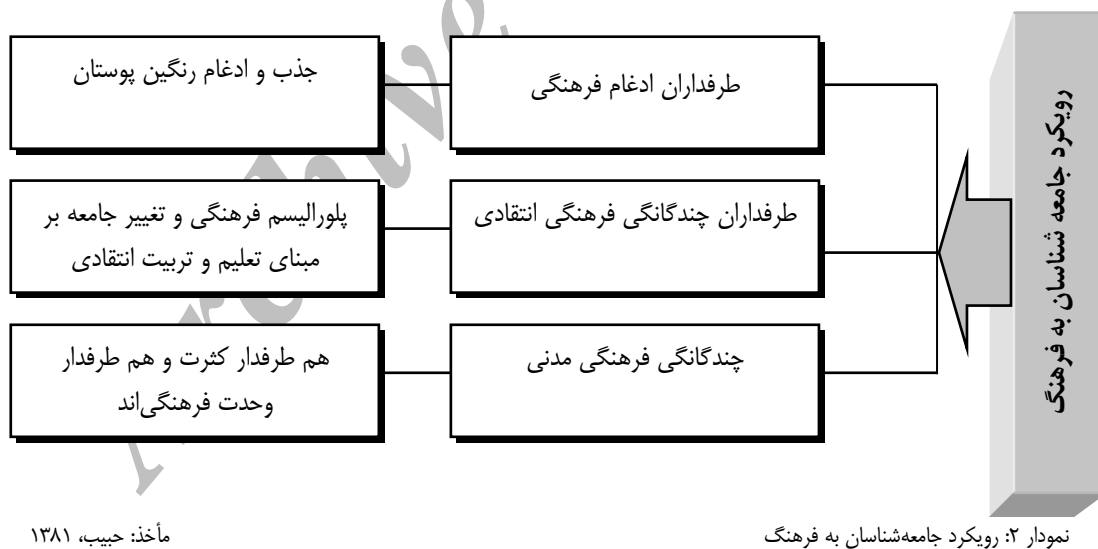
مأخذ: حبیب، ۱۳۸۱

نمودار ۱: رویکرد مردم‌شناسان به فرهنگ

رویکرد جامعه‌شناسان به فرهنگ

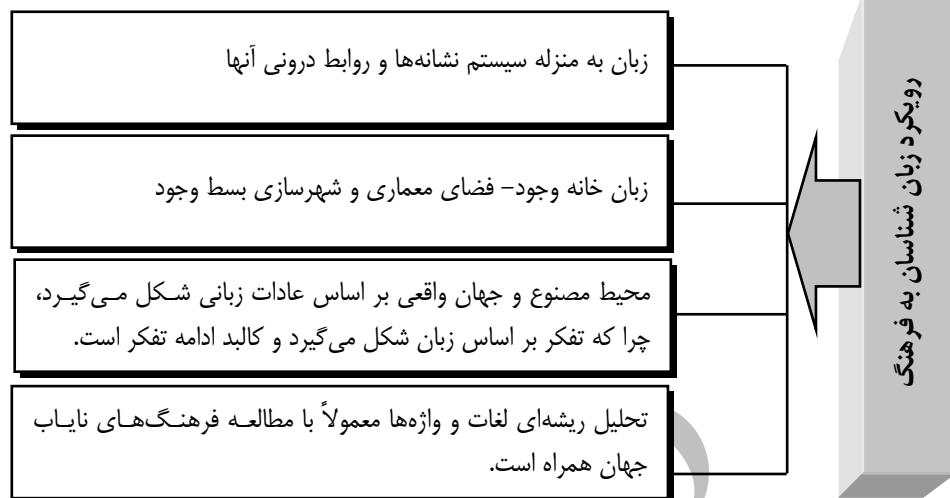
در این عرصه سه گرایش فکری اصلی وجود دارد: طرفداران ادغام؛ طرفداران چندگانگی فرهنگی انتقادی و طرفداران چندگانگی فرهنگی مدنی. طرفداران ادغام، کمبودها و نقایص اجتماعی را در جذب و ادغام رنگین پوستان می‌پذیرند. طرفداران چندگانگی فرهنگی انتقادی هر نوع سازش و هر نوع فکر تسلیم به الگوهای فرهنگی سفیدها را بی‌چون و چرا رد می‌کنند. به اعتقاد آنان همه موارد درسی باید بر اساس پلورالیسم فرهنگی تغییر یابد. هدف آنان شالوده شکنی ضوابط حاکم فرهنگی نیست بلکه تغییر جامعه بر مبنای تعلیم و تربیت انتقادی است که از نوشته‌های رهایی بخش پایلو فریره^{۳۱} متخصص تعلیم و تربیت برزیلی، آثار جامعه‌شناسان مکتب فرانکفورت و نیز متفکران فرانسوی چون هانری لافور^{۳۲}، ژاک دریدا و میشل فوکو بهره برده است. نتیجه ملمه‌ای حیرت آور از چندگانگی فرهنگی است که علی‌رغم انکار پر سر و صدای ارزش‌های غربی، سرچشمه‌های الهامش بیشتر غربی است. هواداران چندگانگی فرهنگی مدنی راه میانه را جستجو می‌کنند: راهی میان آشتی جویی طرفداران ادغام و تندروی چندگانگی فرهنگی انتقادی به عبارت دیگر راه سومی که هم طرفدار کثرت و هم طرفدار وحدت فرهنگی است (شایگان، ۱۳۸۰).

دیگر اندیشمندانی که نکته نظراتشان مورد نقد قرار گرفت (حیب، ۱۳۸۱)، مونتسکیو^{۳۳}، آدام پرزورسکی^{۳۴}، اسپنسر^{۳۵}، آلن تورن^{۳۶}، راسموس^{۳۷} (۱۹۹۸) می‌باشند که اجمالاً در نمودار شماره ۲ ارائه شده است.



رویکرد زبان‌شناسان به فرهنگ

در ارتباط با زبان‌شناسی از نظریات (بردنت، ۱۳۷۵) فردیناند دوسسور^{۴۰}، زبان‌شناس سویسی، کلودلوی اشتراوس (۱۳۸۶) و رولان بارت^{۴۱}، که پایه ساختارگرایی^{۴۲} را بنیان نهادند، بنجامین لی وورف^{۴۳} آنتونی دست اکزوپری^{۴۴} ادوارد سایپر^{۴۵} استفاده شده است که جمع‌بندی دیدگاه‌های مذکور را در نمودار شماره ۳ ارائه گردیده است.



مأخذ: حبیب، ۱۳۸۱

نمودار ۲: رویکرد زبان‌شناسان به فرهنگ

رویکرد روانشناسان به فرهنگ

در رابطه با این مبحث با استفاده از مطالعات صورت گرفته (حبیب، ۱۳۸۱) از دیدگاه اندیشمندانی نظیر زیگموند فروید^{۴۴} (۱۹۰۰)، گروتز^{۴۵} (۱۳۷۵)، آموند^{۴۶} و فروم (۱۹۵۳)، وربا^{۴۷}، لاس ول^{۴۸}، یونگ^{۴۹} (۱۹۷۳)، آلدورسی^{۵۰}، حال استفاده گردید که به ایجاز نتایج حاصل در نمودار شماره ۴ ارائه گردیده است:



مأخذ: حبیب، ۱۳۸۱

نمودار ۴: رویکرد روان‌شناسان به فرهنگ

جمع‌بندی

برخی از تحلیل‌گران معماری سنتی و شهرسازی شهرهای کهن عقیده دارند که شکل‌گیری فضایی این نوع معماری و شهرسازی با ارزش نظیر کشور ما صرفاً به علت اوضاع جغرافیایی و اقلیمی و ملاحظات زیباشناسانه، بر کالبد بوده است مانند: پل البور، یوشینوبا آشی‌ها را^{۵۱}، کلیف ماتین^{۵۲}.

اندیشمندانی نظیر کستف^{۵۳}، موریس^{۵۴}، مامفورد^{۵۵}، رویکردی تاریخی به کالبد شهر داشته‌اند و نقطه مقابل ایشان کسانی هستند که این مقولات را از زوایای معنوی و فلسفی و فرهنگی اجتماعی تحلیل می‌کنند و توجه زیادی به عوامل محیطی ندارند، مثل نصر، اردلان، بختیار، بمت^{۵۶}، هیلن براند^{۵۷}، بوکهارت^{۵۸} و الیاده^{۵۹} که تأثیر معتقدات مذهبی بر کالبد را مورد تحلیل قرار داده‌اند. اندیشمندانی که با دیدگاهی اسطوره‌ای به موضوع نگاه دارند و مبانی طراحی را در اساطیر قومی بررسی می‌کنند و معتقدند که مبانی طراحی را باید در الگو یا کهن‌الگوهای اقوام جستجو کرد، اندیشمندانی مانند شریعتی، بهار، پوپ و پیروانش می‌باشند. اندیشمندان معاصر نیز غالباً به بررسی تأثیر تفکرات نوگرا به کالبد شهر پرداخته‌اند اما همانطور که اشاره شد بحث جنبه‌های ادراکی و شناختی انسان و مباحث فرهنگی از مباحث جدید مورد توجه طراحان است. در رابطه با تأثیر فرهنگ بر کالبد شهر می‌توان از راپاپورت، گروتز، هال، لینچ و کریر نام برد که بر اهمیت این مقوله تأکید داشته‌اند.

با مطالعه معماری و شهرسازی ایران و استخراج مفاهیم، مبانی و ویژگی‌های آن، کاملاً روشن است که اساس و شالوده اصلی آن در فلسفه وجودی این سرزمین بوده است و در نتیجه مطالعه آن بدون عمیق‌شدن در مسایل اجتماعی فرهنگی، دینی و ادبی ناممکن است و لذا روش تطبیقی رفت و برگشتی بین قالب (صورت) و فرهنگ اجتناب ناپذیر است.

لذا با جمع‌بندی انجام گرفته می‌توان در رابطه با مقوله فرهنگ عنوان نمود:

نتیجه‌گیری

هر فرهنگ معرف تفسیر و نگرشی خاص از جهان است. در آن فرهنگ‌های خاص یا جنبه‌های خاصی از فرهنگ^{۶۰} به عنوان پیوستاری فرهنگ‌ها در زمان‌های مختلف در هم آمیخته یا از هم متمایز شده‌اند. در جریان تکامل طولانی، بسیاری از فرهنگ‌ها برای بیگانگان واژه‌ها و قواعد رفتار متفاوتی در مورد چگونگی برخورد با آنها پدید آوردند.

در تعریف بسته‌تر از فرهنگ می‌توان آن را با تجلی هنر، موسیقی، ادبیات و غیره مترادف دانست. به تعریف دیگر فرهنگ به عنوان وسیله‌ای برای تعریف هویت خویش و ایجاد تحرک مردم است که، با توجه به تغییرپذیر بودن فرهنگ‌ها، این مقوله برای فهم و تطور اجتماعی اهمیت می‌یابد.

شکی نیست که فرهنگ‌ها، به معنای مجموعه در هم تنیده‌ای از ارزش‌ها، اعتقادات یا شیوه‌های رفتاری نامیرا نیستند. فرهنگ آشکارا از ساختارها، ستیزه‌گری و تطور اجتماعی تأثیر می‌پذیرد.

سنت‌های فرهنگی نه تنها چند جانبه‌اند، بلکه یک پدیده یکتا نیستند و دایم در حال خلق شدن و دوباره خلق شدن هستند. فرهنگ‌ها از جنس پارچه‌اند، اما جنس پارچه در دست خیاط‌های مختلف متفاوت آراسته می‌شود. هیچ فرهنگی جزیره مجزایی نیست، همه فرهنگ‌ها در رابطه با یکدیگر تأثیر گذار و تأثیر پذیرند.



نمودار ۵: بر هم کنش فرهنگ و کالبد شهر

فرهنگ‌ها آمیزه‌هایی جدایی ناپذیر از تأثیرات بومی و بیرونی‌اند. مردم به راه‌های گوناگونی جهان را پذیرا می‌شوند. از منابع فرهنگی جوامع خود بهره‌برداری می‌کنند. علاوه بر این از منابع دیگر کمک می‌گیرند و رشته‌های گوناگونی را از تجربه‌های فراوان در بافتی سازگار از معانی به هم می‌بافند. آنچه این رشته‌ها را جزئی از فرهنگ گروه می‌کند، بومی یا خارجی بودن منشاء آنها نیست، بلکه به چگونگی بافتن آنها بستگی دارد. واقعیت دیگر در مورد فرهنگ، ماهیت سیال آن است. برخی، فرهنگ‌ها را به عنوان سنت دیرینه‌ای می‌دانند که بالاتر از نسلی به نسلی منتقل شده است. اما فرهنگ‌ها اگر بناست برای حیات با معنی باقی بمانند نیازمند تغییر دایمی‌اند. اگر فرهنگ را به عنوان فرایندی خلاق و مستمر بپذیریم، می‌توانیم مفهوم فرهنگ را در قالبی نو قرار دهیم و بر چگونگی دوام آوردن ارزش‌ها و هویت فرهنگی در زمان تحولات و دشواری‌ها تأکید کنیم.

فرهنگ را خلاقیت تشکیل می‌دهد که با این وجود، این به معنای آن نیست که همه فرهنگ‌ها خلاقیت را تشویق کنند. باید در این مورد بین جوامع نسبتاً باز و بسته تمایزی قایل شد. بر هم کنش فرهنگ و کالبد شهر در کشورهای نزدیکتر به طرف باز این پیوستار فرهنگی در نمودار شماره ۵ نمایش داده شده است.

پی نوشتها

- | | | |
|------------------------------|---------------------------|--------------------------|
| 1- Efficiency urban planning | 21- Barthes | 41- Bengamin Lee Wihorf |
| 2- Modern episteme | 22- Sanders | 42- Antonieds St Exupery |
| 3- Inducive | 23- Levi.Strauss | 43- Edward Sapir |
| 4- Harold Brown | 24- Lowie | 44- Sigmund Freud |
| 5- Jedicke. Jurgen | 25- Krober | 45- Grutter |
| 6- Trieb | 26- Geertz | 46- Almond |
| 7- Langer | 27- Parsons | 47- Verba |
| 8- Guter | 28- Taylor | 48- Laswel |
| 9- Arnheim | 29- Franz Boas | 49- Yung |
| 10- Hall | 30- Hall | 50- Aldo Rossi |
| 11- Esposito | 31- Paulo Freire | 51- Yoshinoba Ashihara |
| 12- Eisenstadt | 32- Henri Lefebvre | 52- Moughtin |
| 13- voll | 33- Montesquieu | 53- Kostof |
| 14- Eickelman, D.F. | 34- Przewoeski | 54- Morris |
| 15- Piscaturi | 35- Spenser | 55- Mumford |
| 16- morals | 36- Turenne | 56- Bemat |
| 17- Ethics | 37- Rasmus | 57- Hillenbrand |
| 18- Franz Boas | 38- Ferdinand de Saussure | 58- Burckhart |
| 19- Saussure | 39- Roland Barthes | 59- Eliade |
| 20- Strauss | 40- Structurism | 60- continuum |

فهرست مراجع

- ۱- برادبنت، جعفری، (۱۳۷۵)، "واسازی"، راهنمای دانشجویان، ترجمه دکتر منوچهر مزینی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران
- ۲- پوردیهیم، شهرام، (۱۳۷۸)، "عوامل مؤثر در ادراک فرم و فضا"، فصلنامه معماری و فرهنگ، سال اول، شماره اول
- ۳- حبیب، فرشته، (۱۳۸۱)، "تبیین و شناسایی جایگاه فرهنگ جوامع در روند شکل‌گیری کالبد شهر"، رساله دکتری شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی
- ۴- حبیب، فرشته، (۱۳۸۳)، "فرهنگ و کالبد شهر"، شهرساز، سال دوم، شماره ۴ و ۵
- ۵- راسموس، هنریتته، (۱۹۹۸)، "فرهنگ و حقوق بومیان"، گزارش جهانی فرهنگ، انتشارات یونسکو
- ۶- شایگان، داریوش، (۱۳۸۰)، "افسون زدگی جدید"، دیدار، تهران
- ۷- فروم، اریک، (۱۹۵۳)، "زبان از یاد رفته"، ترجمه امانت، انتشارات مروارید، تهران
- ۸- فروید، زیگموند، (۱۹۰۰)، "تاویل رویا"، ترجمه ایرج پورباقر، انتشارات آسیا، تهران
- ۹- گروتز، یورک، (۱۳۷۵)، "زیباشناختی در معماری"، ترجمه جهانشاه پاکزاد و مهندس عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران
- ۱۰- لوی اشتروش، کلود، (۱۳۸۱)، "نژاد تاریخ و فرهنگ"، پیام یونسکو، شماره ۳۷۹
- ۱۱- هال، ادوارد، (۱۳۷۶)، "بعد پنهان"، ترجمه دکتر منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- ۱۲- یونگ، گوستاو، (۱۹۷۳)، "انسان و سمبولهایش"، ترجمه ابوطالب صارمی، نشر امیرکبیر، تهران
- 13- Barth,F, (1995), "Ethnicity and the Concept of Culture", Non violent Sanctions and Cultural Survival, Affaris Harvard.
- 14- Kroeber.A., Kluckhohn,C, (1952), "Culture,A Critical Review of Concepts and Definitions". Harvard University.